

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تحلیل تطبیقی شعر «ترانه بزرگ‌ترین آرزو» از احمد شاملو و شعر «وعده» از
هاینریش هاینه

۱- جلیله اخلاقی ۲- مریم شهبازی

۱- دانش آموخته ارشد ادبیات فارسی گرایش ادبیات پایداری دانشگاه شاهد تهران

۲- دانش آموخته ارشد ادبیات فارسی گرایش ادبیات پایداری دانشگاه شاهد تهران

Email: f.akhlaghi1998@gmail.com

Email: mshahbazi2211@gmail.com

چکیده

ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش بینارشته‌ای است که به بررسی ارتباط میان ادبیات ملل مختلف می‌پردازد، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان را بررسی می‌کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تطبیقی دو شعر از احمد شاملو از شاعران معاصر و هاینریش هاینه از شاعران رمانتیک قرن نوزدهم آلمان می‌باشد. در این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی ابتدا درباره ادبیات تطبیقی، مبانی و مکاتب آن بحث می‌شود و سپس با تأکید بر مفهوم آزادی دوشعر از احمد شاملو و هاینریش هاینه در سه سطح ادبی، فکری و زبانی بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه مورد تحلیل و تطبیق قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: ادبیات تطبیقی، احمد شاملو، هاینریش هاینه، آزادی، مکتب فرانسه.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

دادوستدها و تبادلات فرهنگی و ادبی در بین ملت‌ها سبب شکل‌گیری ادبیات تطبیقی گردید. آغاز این رویکرد و گرایش جدید در فرانسه در سده نوزدهم میلادی بود. ادبیات تطبیقی بدون محدود کردن ادبیات در یک جغرافیای خاص یا یک دوره تاریخی آثار و مفاهیم ادبی را در سطح فرا ملی بررسی می‌کند و با تکیه بر این مسئله که مفاهیم و موضوعات تحت تاثیر شرایط اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی در کشوری دیگر تغییر ماهیت می‌دهند به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان می‌پردازد و جنبه‌های این تاثیر و تاثرات شناسایی و تبیین می‌کند. هدف ادبیات تطبیقی رسیدن به نوعی وحدت زبانی و اندیشگانی در ملل مختلف است. ادبیات فارسی و آلمانی در طول قرون با پیوندی ناگسستنی تاثیر و تاثرات فراوانی بر یکدیگر داشته‌اند؛ بخش عظیمی از این تاثیرات ناشی از ترجمه‌های صورت گرفته در این دو زبان بوده است. واکاوی و تحلیل هر یک از شعرهای این دو شاعر برجسته، علاوه بر کمک به شناخت دقیق زبان، بیان و اندیشه‌های هر دو شاعر، در تحلیل شعر پایداری در حوزه ادبیات جهان نیز بی تاثیر نخواهد بود و می‌توان به وجوه مشترک تفکر انسانی نیز راه برد. همان‌طور که اشاره شد شاملو و هاینه هر دو شاعرانی رمانتیک بوده‌اند و اشعارشان مملو از مضامین عاشقانه و تغزلی است؛ اما بحران‌های زیسته و مسائل سیاسی و اجتماعی که هر کدام در روزگار خود تجربه کرده و پشت سر گذاشته‌اند، سبب ورود مفاهیم اجتماعی و پایداری به شعر این دو تن شده است. یکی از این مفاهیم عمده و مشترک، مفهوم آزادی است.

آزادی و آزادی خواهی یکی از مفاهیم عمده و مطرح در ادبیات پایداری است. شاعران بسیاری در اشعار و آثار خود به این مفهوم نظر داشته‌اند. احمد شاملو از شاعران معاصر ما و پیشرو در شعر اجتماعی و سیاسی بسیار به این بن‌مایه پرداخته است. شاملو خود شاعری رمانتیک است و مضامین عاشقانه در اشعارش به وفور یافت می‌شوند اما در شرایط خاص اجتماعی و سیاسی در روزگار بن‌مایه‌هایی همچون آزادی و آزادی خواهی پررنگ می‌شوند. او با زبانی نمادین آزادی خواهی را فریاد می‌زند و به این بن‌مایه می‌پردازد؛ از طرف دیگر هاینریش هاینه از شاعران رمانتیک قرن نوزدهم میلادی آلمان است که شهرتش بیشتر به سبب اشعار غنایی اوست. هاینه شاعری سیاسی نیست و عمده مضامین اشعارش عشق، شادی و غم است؛ اما بروز اتفاقات سیاسی در آلمان، سانسور مطبوعاتی و ارتباط با سردمداران یکی از جنبش‌های آزادی خواه سبب شد تا مفهوم آزادی و آزادی خواهی به شعر وی راه پیدا کند و به یکی از بن‌مایه‌های شعر وی در کنار مضامین عاشقانه تبدیل شود. در این پژوهش برآنیم تا با روشی توصیفی - تحلیلی شعری از احمد شاملو را با قطعه‌ای از هاینریش هاینه مورد تحلیل تطبیقی قرار دهیم و به این پرسش پاسخ دهیم که تحلیل و تطبیق این دو شعر در سه لایه زبانی، ادبی و فکری چه نتیجه‌ای را در برداشته است؟

۲. مبانی نظری

ادبیات تطبیقی یا همسنجشی شاخه‌ای از نقد ادبی است که از روابط ادبی ملل و زبانهای مختلف و از تعامل میان ادبیات ملتها با یکدیگر سخن می‌گوید؛ در اصطلاح، حوزه‌ی مهمی از ادبیات است که به بررسی و تجزیه و تحلیل ارتباط‌ها و شباهت‌های بین ادبیات، زبان‌ها و ملیت‌های مختلف می‌پردازد. ادبیات تطبیقی، از شاخه‌هایی است که با رونق گرفتن نقد ادبی در قرن نوزدهم در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فرانسه شکل گرفته است (رحمان ستایش شیرازی، ۱۳۹۵: ۱). بنظر می رسد اولین بار عبارت « ادبیات تطبیقی» در سال ۱۸۱۶ به کار رفت ولی نفس موضوع این علم، قطعاً قدیمی تر است (همان: ۲). هرچند درباره ی این که چه کسی نخستین بار از این اصطلاح بهره برده است داده ی گویایی در دست نیست اما برخی، فرانسوا ویلمن را پیشگام در این گونه پژوهش های ادبی به شمار آورده اند. ادبیات تطبیقی از شاهکارهای نقد ادبی است که به سنجش آثار، عناصر، انواع، سبک ها، دوره ها، جنبش ها و چهره های ادبی و به طور کلی، مقایسه ی ادبیات در مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ و زبان مختلف می پردازد. در واقع، ادبیات تطبیقی به دنبال یافتن رشته های اتصال دولت و درک ریشه های جریان های فکری و تأثیرگذار بر دو یا چند فرهنگ است (همان).

به طور عام می توان موضوع ادبیات تطبیقی را ادبیات با دو نوع منظوم و منثور آن دانست. ادبیات تطبیقی بیانگر انتقال پدیده های ادبی از یک ملت به ادبیات دیگر ملت هاست. جابه جایی و انتقال گاهی در حوزه واژه ها و موضوعات است و زمانی در تصاویر و قالب های مختلف بیانی چون قصیده، قطعه، رباعی، مثنوی، قصه، نمایشنامه و مقاله ... خود نمایی می کند. تحقیقات تطبیقی در حوزه ادبیات به بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی با ادبیات دیگر زبان ها، کشف پیوندهای پیچیده بین آنها، ارائه نقش و اثرگذاری هر یک از آنها از نظر زیبایی، هنری، معنوی، محتوایی، فنی و پیوندهای تاریخی می پردازد (عبدی، ۱۳۹۱: ۱۴). فواید تحقیقات تطبیقی، آن است که جریان های ادبی جهان را تبیین و رابطه آنها با هم را بیان می نماید و پیوند و اثرگذاری و یا اثر پذیری بین آن ها را مشخص می کند و استمرار می بخشد و با این توجه به بالندگی و غنای ادبیات جهان کمک می کند و به رابطه های تاریخی آن ها که باعث دوستی و حس ارتباط است، پاسخ می دهد (همان: ۱۵).

ادبیات تطبیقی با مکتب فرانسوی (Ecole française) شروع شد مکتبی که نظریه پردازان آن ادبیات تطبیقی را شاخه ای از تاریخ ادبیات به حساب می آورند. این مکتب از اوایل قرن بیستم تا جنگ جهانی دوم تحت تاثیر مکاتب اثبات گرا و تجربه گرا شکل گرفت و در آن توجه به شواهد خاستگاه ها و تاثیرات میان فرهنگی و مابین ملل بر هر دیدگاه دیگری ارجحیت دارد و بنابراین، کار پژوهش گر، یافتن سر نخ های مضامین و ایده های ادبی و چگونگی انتقال آنها از ملتی به ملت دیگر در گذر زمان بود. مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی که پیشگام عرصه پژوهش های ادبیات تطبیقی در جهان است، بر دو اصل تاثیر و ارتباطات ادبی استوار است (همان: ۱۷) در واقع ادبیات تطبیقی در مفهوم فرانسوی آن، مقایسه صرف دو یا چند اثر ادبی نیست، بلکه مقایسه از دیدگاه این مکتب، نقطه آغاز و عمل لازمی است که امکان درک شباهت ها و یا تفاوت های موجود در بین آثار ادبی را فراهم می نماید. به دیگر سخن، هدف در مکتب فوق - علی رغم برداشت عده ای - تطبیق یا مقایسه نیست. تطبیق صرفاً وسیله ای است برای رسیدن به هدفی والاتر که همان تبیین تعاملات و مبادلات ادبی بین ملت های مختلف است (نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۴). نخستین تلاش ها در جهت تغییر مفهوم تاریخ ادبیات تطبیقی و اصلاح مضمون آن در سال ۱۹۴۹م، انجام گرفت. در این سال منتقد و پژوهشگر برجسته آمریکایی رنه ولک با همکاری اوستن وارن کتابی به عنوان « نظریه ادبیات» تالیف کردند و در فصل پنجم آن به اختصار از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی انتقاد نمودند. رنه ولک در خطابه ی خود در دانشگاه کارلینای شمالی در سال ۱۹۵۸م، به شدت از مفهوم تاثیر گذاری و اثر پذیری و اصول آن انتقاد کرد. این سخنرانی اساس پیدایش مکتب جدید را بنا نهاد که از آن به عنوان مکتب آمریکایی (Ecole américaine) ادبیات تطبیقی یاد می شود. این مکتب علاوه بر مطالعه ارتباطات ادبی بین فرهنگ های مختلف، ادبیات تطبیقی را با سایر رشته های علوم انسانی و هنرهای زیبا مانند تاریخ، فلسفه، ادیان، زبان شناسی، روانشناسی، پیکر تراشی، جامعه شناسی، نقاشی، سینما، موسیقی و سایر هنرها در ارتباط می بیند از منظر این مکتب، ادبیات تطبیقی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فلسفه و نظریه جدیدی در مطالعات ادبی است بدین معنا که ادبیات پدیده ای جهانی و کلیتی است که اجزای آن، یعنی ادبیات (های) ملی از وحدتی اندام وار و انسجامی یگانه برخوردارند. (عبدی، ۱۳۹۱: ۲۲).

۳. پیشینه پژوهش

– ظروفی (۱۳۵۴) در مقاله ای تحت عنوان «زندگی هاینریش هاینه» به بررسی زندگی نامه و آثار و احوال زندگی هاینریش هاینه پرداخته است.

– اکبری بیرق و سنایی (۱۳۹۰)، در مقاله ای با عنوان «بررسی تطبیقی شعر و اندیشه تی. اس. الیوت و احمد شاملو بر اساس مولفه های مدرنیته» تحلیلی تطبیقی از مضامین مشترک و همسانی های ذهنی و زبانی این دو شاعر را با توجه با اوضاع اجتماعی مشترک هر دو شاعر ارائه داده اند.

– صفایی و قاسمی (۱۳۹۳)، در مقاله ای تحت عنوان «تحلیل تطبیقی شعر «مرد مصلوب» احمد شاملو و «المسیح بعد الصلب» بدر شاکر السیاب» ضمن تبیین قرابت های فکری و ادبی شعر شاملو و شاکر السیاب به بررسی ساختار روایی، شیوه روایت، نمادگرایی علی الخصوص اسطوره مسیح در شعر این دو تن از شاعران بزرگ فارسی و عربی پرداخته اند.

– طهماسبی و صارمی (۱۳۹۴)، در مقاله ای تحت عنوان «تحلیل تصاویر مستقل در شعر احمد شاملو» تاثیر و کاربرد تصویر و ذهنیت تصویری متن از لحاظ سطح، عمق، ایستایی و پویایی، نقاشیک و سینمایی و غیره در شعر شاملو را مورد بررسی قرار داده اند.

– شاهوردیانی و یحییوی تاج آبادی (۱۳۹۸)، در مقاله ای تحت عنوان «چند مضمون اساسی در شعر احمد شاملو شارل بودلر» با رویکردی تطبیقی چند مفهوم اساسی مشترک همچون زن، عشق، ملال و آزادی را در شعر شاملو و بودلر تحلیل و مقایسه نموده اند.

– فرزاد و دیگران (۱۳۹۹)، در مقاله ای با عنوان «نگاهی تطبیقی به آزادی در شعر احمد شاملو و احمد مطر» به بررسی مفهوم آزادی و آزادی خواهی به عنوان مهم ترین بن مایه های شعر شاملو و مطر پرداخته اند و وجوه اشتراک و افتراق آن ها را بررسی کرده اند.

۴. تحلیل یافته ها

در این بخش به تحلیل و تطبیق شعر «ترانه بزرگترین آرزو» از شاملو و «وعده» از هاینریش هاینه، شاعر آلمانی در سه لایه زبانی، ادبی و فکری پرداخته می شود:

۴-۱. لایه زبانی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از نظر لایه زبانی در شعر «ترانه بزرگ ترین آرزو» از شاملو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

لحن کلام شاملو در این شعر، حماسی است. زبان او تلفیقی از زبان کهنه و معاصر است که زبان و کلام ویژه شاملو را شکل می‌دهد. شعر «ترانه بزرگ ترین آرزو» بیانی اجتماعی دارد. شاملو در اشعار خود اکثراً از واژگان متعارف و معمول در زبان معیار استفاده می‌کند اما با استفاده از خلاقیت‌های مخصوص به خود ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و برجستگی‌های زبانی شعر خود را افزایش می‌دهد. یکی از خلاقیت‌های شعر شاملو پدید آوردن ترکیبات جدید است که با استفاده از صفت‌های تازه، ترکیب‌هایی نو می‌سازد و با خلق ساختار نحوی تازه، آفرینش ترکیبات و واژگان بدیع، زبان و بستر شعر خود را گسترش می‌دهد. این ترکیبات خلاقانه بار حماسی کلمات او را بیشتر کرده است. ترکیب‌ها و صفت‌های جدید و آهنگینی مانند «خونابه چکنده، دردی خشک تپنده و نفرتی از خود شونده» در گزاره‌های زیر سود جسته است:

«همچون زخمی / همه عمر خونابه چکنده / همچون زخمی همه عمر / به دردی خشک تپنده / به نعره‌ای چشم به جهان گشوده / به نفرتی از خود شونده.....» (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۹۹).

شعر با شبه جمله "آه" که برای بیان افسوس و حسرت به کار می‌رود؛ شروع شده است و با آوردن حرف شرط "اگر" جمله، صورتی شرطیه یافته است. وجود کلمات شرطی مثل "اگر" نشان از عدم قطعیت در شعر را دارد. شاعر امیدی قطعی به مضمون شعر خود یعنی آزادی ندارد. پس با استفاده از کلمات شرطی، امید نسبی خود را به این مسئله نشان می‌دهد.

«آه اگر آزادی سرودی می‌خواند / کوچک / همچون گلوگاه پرنده‌ای» (همان).

شاملو در این شعر هم از کلماتی که بار مثبت دارند استفاده نموده است و هم از کلماتی که بار منفی دارند. کلماتی که بار مثبت دارند مانند: آزادی، سرود و آبادانی و کلماتی که بار منفی دارند مانند: «فروریخته، زخم، خونابه چکنده، نفرت و نعره». در این شعر کلماتی که بار منفی دارند بسامد بیشتری نسبت به کلمات مثبت دارا هستند. انتخاب این نوع ترکیبات ریشه در مضمون فکری او در سال‌هایی دارد که این شعر را سروده و از بحران‌های اجتماعی جامعه آن زمان نشأت گرفته است که در لایه فکری به آن پرداخته خواهد شد.

بیشتر افعال در شعر شاملو در زمان ماضی به کار رفته است. در بعضی از مصراع‌ها فعل از پایان آن‌ها حذف شده مثلاً در مثال زیر فعل "است" بعد از کلمات چکنده و تپنده حذف شده است:

«همچون زخمی / همه عمر خونابه چکنده..... / همچون زخمی همه عمر / به دردی خشک تپنده.....» (همان).

حذف فعل سبب ایجاز در کلام گردیده و جنبه موسیقایی آن را نیز افزایش داده است. برخی از افعال نیز در آغاز شعر به شکل منفی آمده‌اند مانند: برجای نمی‌ماند و نمی‌بایست.

یکی از شیوه‌های گفتمان شاملو تکرار چرخه‌ای است. شاعر به صورت دایره‌ای گزاره‌های آغازین را دوباره در پایان شعر تکرار می‌کند. در شعر «ترانه بزرگترین آرزو» نیز گزاره اول «آه اگر آزادی سرودی می‌خواند» را در گزاره پایانی بیان کرده و چرخه دوران در شعر ایجاد نموده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

با بررسی شعر «وعده» از هاینریش هاینه از نظر لایه زبانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شعر هاینه به صورت روایی بیان شده است. شاعر با عاطفه قوی که مخصوص یک شاعر رمانتیک است با زبان ساده به بیان مفهوم آزادی به عنوان یکی از مهمترین مضامین ادبیات پایداری در شعر خود می‌پردازد. با وجود اینکه شعر به صورت ترجمه است؛ واژگان استفاده شده در این شعر واژگان متعارف و معمولی هستند و ترکیبات جدیدی خلق نشده است. بنابراین خلاقیت و نوآوری خاصی در شعر دیده نمی‌شود. قطعیت در کلام شاعر وجود ندارد و شاعر با استفاده از کلمه "شاید" امید نسبی و واهی خود را نسبت به مسئله آزادی بیان می‌کند. اکثر فعل‌ها نیز در زمان آینده به کار رفته‌اند مانند: «خواهی پوشید، خواهی گذاشت، قدم خواهی زد، تکان نخواهند داد» که همه نشان از وجود عدم قطعیت در کلام شاعر است. بعضی از فعل‌ها حذف شده‌اند مانند: «روزی تو نیز کفش خواهی پوشید و شاید هم جوراب... (خواهی پوشید)» (ترابی، ۱۳۸۴: ۲۸۶) که حذف از نوع لفظی و به جهت جلوگیری از تکرار دوباره فعل است.

هاینه با آوردن صفات پی در پی منفی در مورد آزادی به نوعی نگاه انتقادی به آزادی در جامعه خود را بیان می‌دارد و قصد تاکید در کلام را نیز به همراه داشته است. کلماتی مانند: «برهنه، خسته، ورم کرده و لنگ لنگان باد، طوفان، هراس، افسوس» همه از واژگانی هستند که بار منفی دارند همانطور که در شعر شاملو نیز اشاره شد ناشی از اوضاع نابسامان اجتماعی خصوصا در مورد مسئله آزادی است. از طرفی کلمات مثبتی نیز در این شعر به کار رفته است: مانند آزادی، غذا و دعوت.

یکی از ویژگی‌های مهم هاینه در لایه زبانی در این شعر تصویر آفرینی و ایماژها است که شاعر با ترسیم فضای کلی شعر و بهره‌گیری از عناصر تصویرساز مانند آوردن صفاتی پشت هم مانند: «برهنه، خسته، تحقیر شده، لنگ لنگان، ورم کرده، شگفت زده» در سعی بر تصویر آفرینی و ایماژ در شعر خود داشته است.

«آزادی / با پاهای برهنه، خسته، ورم کرده و شگفت زده / و تحقیر شده / لنگ لنگان گام برمی‌دارد» (ترابی، ۱۳۸۴: ۲۸۶).

۴-۲. لایه ادبی

در بخش ادبی کاربرد صور خیال و آرایه‌های ادبی شاخص هر دو شعر بررسی می‌شود:

در مورد لایه‌های ادبی در شعر «ترانه بزرگ‌ترین آرزو» شاملو با بررسی انواع موسیقی و آرایه‌های ادبی این نتایج جلوه گر است: این شعر در قالب شعر سپید سروده شده و فاقد وزن عروضی است اما موسیقی‌های درونی و کناری در شعر شاملو کلام او را آهنگین می‌کند.

«سالیان بسیار نمی‌بایست / دریافتن را / که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی‌ست / که حضور انسان / آبادانی‌ست» (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۹۹).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گذشتگان تکرار را از عیوب کلام می دانستند اما در شعر شاملو تکرار به یک ویژگی سبکی تبدیل شده است؛ چه تکرار مصوت و چه تکرار در سطح واج ها، واژگان و عبارات. عنصر تکرار در شعر وی نه تنها باعث زیبایی سخن شده بلکه موسیقی کلام را نیز افزایش داده و به نوعی جبران وزن عروضی را نیز کرده است. مثلا تکرار صامت «ه» در کلمات «همچون، گلوگاه، پرند، هیچ کجا» در خدمت تاکید و خلق موسیقی در آمده است و به نوعی یادآور آه و حسرت ابتدای شعر و القای مفهوم ذهنی شاعر است.

«همچون گلوگاه پرند، هیچ کجا دیواری فروریخته بر جای نمی ماند» (همان).

همچنین تکرار صامت "س" نیز در واژه های شعر مانند؛ سرود، سالیان، بسیار، می بایست، انسان، است... موسیقی درونی شعر افزایش داده است و شعر را آهنگین تر کرده است. تکرار چرخه ای یا دورانی بند آغازین در بند پایانی سبب شده که بار معنایی تکرار واژه ها دوباره خلق شود. با این تکرار نه تنها بر مفهوم فقدان آزادی تاکید شده بلکه بر آهنگ موسیقی متن نیز افزوده است.

«آه اگر آزادی سرودی می خواند / کوچک / کوچک تر حتا / از گلوگاه یکی پرند» (همان).

تضاد در شعر معاصر با تضاد در شعر کلاسیک متفاوت است. تضاد در شعر معاصر بر پایه اندیشه شاعر یا برخاسته از اوضاع سیاسی - اجتماعی روزگار اوست. شاعر با استفاده از کلمات و تخیل خود تضاد و تناقض ها را به نمایش می گذارد. در این شعر نیز محور اصلی اندیشه گانی شاملو آزادی و انسان است. در این جا شاعر با آوردن کلمات "ویرانه" و "آبادانی" در مقابل هم علاوه بر اینکه ارزش بلاغی و زیبایی شناختی کلام را بالا برده است و سبب شده است که تصویرهایی واضح را نیز برای خواننده بیافریند و بر این اندیشه و تفکر تاکید داشته است که وجود انسان باعث آبادانی است و نبود آزادی سبب می شود که انسانی در جامعه نباشد و در نهایت جامعه با ویرانی روبرو شود. "آبادانی" و "ویرانی" در اینجا عناصر متضاد در شعر وی هستند:

«که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی است / که حضور انسان / آبادانی است» (همان).

شاخص ترین کار شاملو در حوزه صور خیال همان جاندار پنداری یا پرسونیفیکیشن است که اعمال و ویژگی های انسانی را به پدیده ها و عناصر بی جان در طبیعت نسبت می دهد. تشخیص در شعر سپید شاملویی بدون هیچ محدودیتی کاربرد دارد و بیشترین بسامد را در اشعار او داراست. در این شعر شاملو نیز، انسان پنداری به وضوح نمایان است. این انسان انگاری می تواند ناشی از اندیشه انسان گرایانه او نیز باشد که او انسان را مرکز همه چیز می دانسته است. در این جا نیز برای آزادی که مفهومی انتزاعی دارد؛ انسان پنداری را به کار برده است و ویژگی های رفتاری انسان را به آن نسبت داده است. شاملو با این نوع هنجارگریزی، زبان کلام خود را برجسته تر کرده است و به نوعی خود را از هم عصران خود متمایز نموده است. او آزادی را مانند انسانی می داند که اگر در جامعه حضور داشت و اگر سرودی می خواند دیگر هیچ دیوار فرو ریخته ای بر جای نمی ماند:

«آه اگر آزادی سرودی می خواند.....» (همان).

از دیگر آرایه های صور خیال در این شعر شاملو می توان به تشبیه اشاره نمود. تشبیهات در شعر شاملو بیانگر نهایت هیجانات عاطفی وی می باشند. با تامل در تشبیهات شاملو می توان ارتباطات تازه ای را کشف کرد که همین ارتباطات به تشبیه ها ارزش و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اعتبار می بخشند. هر چقدر هریک از عناصر تشبیه عینی تر و محسوس تر باشد؛ در شعر زیبایی ملموس و محسوس تری را می آفریند. شاملو در مصراع زیر آزادی را که مفهومی انتزاعی است به گلوگاه پرنده که مفهومی عینی و قابل تصور است مانند کرده است و در صدد القای این مفهوم بوده است که آزادی بسیار کوچک و نحیف است و این نشان از عدم آزادی است که در جامعه بسیار کم است و اگر هم هست بسیار ضعیف است و حضور پررنگی در جامعه ندارد و به راحتی از بین می رود.

« آه اگر آزادی سرودی می خواند / کوچک / همچون گلوگاه پرنده بی » (همان).

یکی از آرایه های دیگری که شاملو در شعر خود استفاده می کند نماد می باشد. شاملو از زبان نمادین برای بیان بسیاری از مفاهیم در شعر خود استفاده می کند. رواج نماد در اوایل قرن بیستم همچنین ارتباط شاملو با ادبیات جهان سبب شد تا نماد در شعر او راه بیابد و از آن جایی که یکی از قابلیت های نماد دربرگرفتن مفاهیم متعدد در خود است و مختص به یک مفهوم خاص نیست؛ علاوه بر ایجاد ابهام در شعر، ذهن مخاطب را نیز بیشتر با شعر درگیر می کند بنابراین شاملو از زبان نمادین در شعر خود بهره جسته است. اکثر نمادهای شاملو در راستای اهداف سیاسی و اجتماعی است. پرنده یکی از نمادهای روشن در شعر شاملو می باشد و مفهوم تاریکی در پی ندارد در واقع پرنده در این شعر در مفهوم عام به کار رفته است و نماد انسان آزادی است که می تواند آزادانه به فعالیت های دلخواه خود بپردازد:

« آه اگر آزادی سرودی می خواند / کوچک / کوچک تر حتا / از گلوگاه یکی پرنده » (همان).

هاینریش هاینه از آرایه های صور خیال، تشبیه و استعاره برای تصویر آفرینی بیشتر در شعر بهره برده است. شعر « وعده » از هاینریش هاینه از زبان آلمانی ترجمه شده است بنابراین قافیه در آن مشخص نیست. یکی از ویژگی های شعر هاینه عاطفه قوی است که در سرتا سر شعر جاری می باشد. هاینه با آوردن صفات پشت سر هم مانند «پاهای برهنه، خسته، ورم کرده و شگفت زده...» علاوه بر این که از آرایه تنسیق الصفات استفاده کرده و چندین صفت را پشت هم آورده است؛ تصویر آفرینی و ایماژ زیبایی را نیز خلق نموده است بنابراین مخاطب به راحتی ارتباط برقرار می کند و می تواند این تصویر را در ذهن خود مجسم کند.

«آزادی / با پاهای برهنه، خسته، ورم کرده و شگفت زده / و تحقیر شده / لنگ لنگان گام برمی دارد» (ترابی، ۱۳۸۴ : ۲۸۶).

پرسونفیکیشن آرایه بارز و مشترک بین شعر شاملو و هاینه است. هاینه نیز همانند شاملو از آرایه پرسونفیکیشن یا جان دارپنداری استفاده کرده و آزادی را همچون انسانی در نظر می گیرد که در جامعه وجود دارد. صفات و رفتارهای انسانی را به او نسبت می دهد و امید دارد که همانند انسانی عادی کفش و جوراب بپوشد. کلاه بر سر بگذارد. در بین جاده ها قدم بزند و مردم او رابه خانه هایشان دعوت کنند... این انسان پنداری در سراسر شعر مشاهده می شود و مضمون عمده شعر را در بر دارد :

« روزی تونیز کفش خواهی پوشید / و شاید هم جوراب / روزی تو نیز کلاهی گرم به سر خواهی گذاشت / کلاهی با لبه هایی بلند برای پوشاندن گوش هایت / آنگاه در جاده ها قدم خواهی زد..... / و شاید هم به خانه هایشان دعوت کنند / و با غذایی پذیرایت گردند » (همان).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کاربرد واژگان متناسب و معانی مرتبط سبب خلق آرایه مراعات نظیر می‌شود. این آرایه از اساسی‌ترین آرایه‌ها است که بر ارزش کلام و وحدت سخن می‌افزاید؛ در شعر هاینه نیز با استفاده از شبکه معنایی خلق شده بین واژه‌های «کفش، جوراب، کلاه و سر و گوش» به تصویرسازی و انسجام میان اجزای متن کمک شایانی کرده و سخن را نیز زیبا و دلپذیر نموده است. جاده مجاز از راه‌های ارتباطی بین انسان‌ها است، همانطور که در قلمرو فکری اشاره شد جاده حد فاصل مکان‌هایی است که شهرها و کشورها را به هم متصل می‌کند و شاعر امید دارد که روزی آزادی در مفهوم عام خود در سراسر کشور و جامعه اش وجود داشته باشد و بدون هراس از بادها و توفان‌ها که استعاره از سختی‌های راه آزادی است به راحتی در جامعه اش فراگیر باشد.

۴-۳. لایه فکری

شعر شاملو نوعی شعر معترض اجتماعی است که درون مایه ای اجتماع گرا دارد و در ژانر حماسی - پایداری سروده شده است. مضمون عمده شعر «ترانه بزرگ‌ترین آرزو» از شاملو «آزادی» است. شاملو در اشعارش نگاهی کلی به آزادی در همه ابعاد آن دارد اما در شعر مذکور نگاه شاملو بیشتر معطوف به آزادی اجتماعی و آزادی بیان است. اوضاع زمانه شاملو در هنگام سرایش این شعر یعنی سال ۱۳۵۵ نابسامان و پر از اختناق است و شاعر هیچ امیدی به آمدن و وجود آزادی در جامعه اش ندارد و آن را امری محال تلقی می‌کند؛ بنابراین موضع شاملو نسبت به آزادی در این شعر حسرت آزادی است و این حسرت و یاس دردمندانه را به خوبی با کلمه «آه» در ابتدای شعر نشان می‌دهد.

«آه اگر آزادی سرودی می‌خواند.....» (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۹۹).

شاملو شاعری اجتماعی در صحنه سیاست و اجتماع است و نگاه او به مسائل اجتماعی و سیاسی منفعل نیست و در مقابل نگاهی پویا دارد؛ در نگاه شاملو آزادی به مثابه اکسیژن برای حیات اجتماعی جامعه است و بدون آن حیات جامعه به خطر می‌افتد. در این شعر کوتاه او از دغدغه‌های اصلی خود یعنی آزادی و انسان سخن به میان می‌آورد. شاملو آزادی را مانند انسانی در نظر می‌گیرد که سرودی نمی‌خواند و اگر بخواند سرودش کوچک است و عملاً تاثیری ندارد که این تفکر ناشی از اختناق آن سال هاست.

«آه اگر آزادی سرودی می‌خواند / کوچک/همچون گلوگاه پرده‌یی...» (همان).

یکی از محورهای اندیشگانی شاملو انسان‌گرایی است. انسان، انسانیت و مسائل انسانی در مرکز توجه شعری شاملو قرار دارد. انسان شعر شاملو انسانی اجتماعی است که در تمام مسائل اجتماعی، سیاسی و... نمود دارد. در این شعر شاملو آزادی و انسانیت را پیوند می‌دهد و به نوعی آن‌ها را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند. شاعر ویرانی‌های موجود در جامعه را به غیاب انسان و انسانیت نسبت می‌دهد که اگر انسانیت در جامعه وجود داشت به جای ویرانی آبادانی همه جا را فرا می‌گرفت.

«هیچ کجا دیواری فروریخته بر جای نمی‌ماند./سالیان بسیار نمی‌بایست/دریافتن را/که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی است.....» (همان).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این شعر به خوبی می نمایاند که انسان دوستی و آزادی خواهی در شعر شاملو دو مفهوم به هم پیوسته و در هم آمیخته است. شاملو حضور انسان در جهان را مظهر و علت آبادانی می داند و نبود او را نشانی از ویرانی و نیستی. این نگاه به روشنی حاکی از بینشی اومانیستی و چه بسا آنتروپولوژیستی است و گونه ای خوش بینی قرن نوزدهمی در آن نهفته است. نکته اینجاست که انسان قرن بیستمی که شاهد فجایعی همچون دو جنگ جهانی و تباهی ناشی از درگیری انسان ها و ایدئولوژی ها بوده، به زحمت می تواند چنین باور مطلق گرایانه و خوش بینانه ای نسبت به انسان داشته باشد، باید توجه داشت که شاملو فردی ساده نگر یا زودباور نبود، ولی همواره نسبت به آینده بشریت امید و خوش بینی داشت. با این حال از آنجا که به روشنی تحت تأثیر جهان بینی مارکسیستی قرار داشت، پوزیتیویسم نهفته در آن مکتب فکری قرن نوزدهمی را نیز به ارث برده بود (شاهوردیانی و حیوی تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۱۸۷-۱۸۸). شعر هاینه نیز شعری اجتماعی است که در ژانر اجتماعی - پایداری سروده شده است. اوضاع اجتماعی و سیاسی آلمان، سانسور مطبوعات، نبود آزادی و فضای بسته ی جامعه در آن روزگار که بیشتر به قشر فرهیخته فشار می آورد هاینه را مجبور به ترک آلمان کرد. او چندی بعد با سردمداران جنبش های آزادی خواه در فرانسه ارتباط یافت و تمامی این اتفاقات سبب شد تا مفهوم آزادی به شعر وی راه پیدا کند. مضمون عمده شعر «وعده» نیز که در این پژوهش به آن می پردازیم؛ آزادی است.

هاینه همچون شاملو آزادی را مایه حیات اجتماعی جامعه میداند و این تفکر در تمام مصرع ها به وضوح حس میشود. در شعرش آزادی را به مثابه انسانی میداند و صفات انسانی به آن نسبت می دهد. آزادی مانند انسانی است؛ بسیار فقیر و ناتوان، تحقیر شده که لنگ لنگان گام برمیدارد و کار خاصی از او بر نمی آید.

«آزادی/با پاهای برهنه، خسته، ورم کرده و شگفت زده / و تحقیر شده / لنگ لنگان گام برمی دارد...» (ترابی، ۱۳۸۴: ۲۸۶). در ابتدای شعر آزادی فقیر و بی چیز است و رفته رفته در پایان شعر به نوایی میرسد و در نهایت حداقل هایی را که یک انسان عادی در جامعه دارد را بدست می آورد.

«روزی تونیز کفش خواهی پوشید / و شاید هم جوراب / روزی تو نیز کلاهی گرم به سر خواهی گذاشت / کلاهی با لبه هایی بلند برای پوشاندن گوش هایت / آنگاه در جاده ها قدم خواهی زد / بی هراسی از بادها و توفان ها...» (همان).

هاینه نسبت به شاملو خوش بین تر است و امید دارد که آزادی دیگر روزی عضوی مفقود شده در جامعه نباشد و بدون محدودیت حضور داشته باشد. استفاده از عباراتی مثل «کفش پوشیدن»، کلاه گرم به سر داشتن و قدم زدن در جاده ها « نشان از امید هاینه نسبت به آزادی است. او مفهوم آزادی را پیچیده نمیکند و با عباراتی متعارف و معمول که به راحتی در ذهن مخاطب نقش می بندد آرمان آزادی را بیان میکند. «جاده ها» حداقل مکان هایی که شهر یا کشوری را به هم متصل میکند؛ منظور هاینه از جاده این است که روزی آزادی در همه مکان ها حضور خواهد داشت و بدون اینکه «بادها و توفانها» که در واقع موانع راه آزادی هستند وجود داشته باشند و مردم از یاس ناشی از نبود آزادی نجات خواهند یافت، اما با این وجود باز هم در کلام او مانند شاملو قطعیتی حس نمیشود، هاینه از کلمه «شاید» استفاده می کند که نشان از عدم قطعیت در کلام اوست.

«دیگر مردم با دریغ و افسوس سرشان را تکان نخواهند داد / و شاید هم به خانه هایشان دعوت کنند / و با غذایی پذیرایت گردند» (همان).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵. نتیجه‌گیری

احمد شاملو و هاینریش هاینه از شاعران معروف رمانتیک ادبیات ایران و آلمان هستند. هر دوی آن‌ها از شعر برای بیان مقاصد سیاسی و اجتماعی خود بهره برده‌اند. در این پژوهش شعر «ترانه بزرگترین آرزو» از شاملو و شعر «وعده» از هاینریش هاینه در سه لایه زبانی، ادبی و فکری مورد تطبیق و بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش به این شرح است؛ در لایه فکری مضمون مشترک در هر دو شعر آزادی است. در واقع آزادی یکی از مولفه‌های ادبیات پایداری است که شاعران بسیاری به آن نظر داشته‌اند. شاملو و هاینه نیز از این قاعده مستثنی نیستند و به آزادی به عنوان یکی از مضامین اصلی شعر خود همواره توجه کرده‌اند. موضع‌گیری هر دو شاعر نسبت به آزادی، حسرت آزادی است. هر دو به علت وجود اختناق و اوضاع بسته سیاسی و اجتماعی در جامعه خود از نبود آزادی احساس یاس می‌کردند و امیدی به رواج آزادی و آزادی خواهی در جامعه خود نداشتند. در این بین هاینه نسبت به شاملو خوش‌بین‌تر عمل کرده است و امید بیشتری دارد.

بارزترین آرایه در لایه ادبی در شعر هر دو شاعر آرایه پرسونیفیکیشن است. هر دو شاعر آزادی را به مثابه انسانی می‌دانند که عضوی از جامعه است. این آرایه در سراسر شعر هاینه مشهود و بارزتر است. در شعر هاینه امید و عاطفه بیشتری وجود دارد. آرایه‌های دیگری که در سطح ادبی باعث ارجحیت و تشخیص شعر شاملو می‌شود، استفاده از زبان نمادین و تکرار چرخه‌ای است که شاعر با بهره‌گیری از این دو آرایه شعر خود را نسبت به هاینه متمایز می‌کند. در لایه زبانی نیز واژگان موجود در هر دو شعر متعارف و معمول است. شاملو با بهره‌گیری از زبان کهنه و نو و آفرینش ترکیبات جدید و همچنین هاینه با استفاده از عنصر عاطفه که از مکتب رمانتیک با خود دارد و آوردن صفات پشت سر هم در تصویر آفرینی‌ها موفق عمل کرده‌اند.

۶. مراجع

- ترابی، ضیال‌الدین، راین و زنجیر، نسیم، حیات قم، ۱۳۸۴.
- رحمان ستایش شیرازی، فاطمه، ادبیات تطبیقی و اهمیت آن، نگارش مقاله برای همایش ارتباطات زبان و ادبیات فارسی و مطالعات زبان شناختی، سازمان‌ها و مراکز غیر دولتی، دوره ۱، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، ۱۳۹۵، صص ۱-۷.
- شاملو، احمد، مجموعه آثار (دفتر یکم)، نگاه، تهران، ۱۳۹۱.
- شاهروردینی، ناهید و یحییوی تاج آبادی، سپهر؛ چند مضمون اساسی در شعر احمد شاملو و شارل بودلر، پژوهش‌های ادبیات معاصر، دوره ۲۴/ شماره ۱، ۱۳۹۸، صص ۱۶۷-۱۹۱.
- صارمی، زهره و طهماسبی، فرهاد؛ تحلیل تصاویر مستقل در شعر احمد شاملو، دو فصلنامه علوم ادبی، سال ۵/ شماره ۸، ۱۳۹۴، صص ۶۵-۱۰۰.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- صفایی، علی و قاسمی، علیرضا؛ تحلیل تطبیقی شعر «مرد مصلوب» احمد شاملو و «المسیح بعد الصلب» بدر شاکر السیاب، فصل نامه پژوهش های تطبیقی، پیاپی ۶، ۱۳۹۳، صص ۷۱-۹۸.
- ظروفی، محمد، هاینریش هاینه، نشریه گوهر، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۳۵۴، صص ۹۴۵-۹۵۱.
- عبدی، مجید، شعر نادر پور و صلاح عبدالصبور در آیینه ادبیات تطبیقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۱.
- فرزاد، عبدالحسین و همکاران؛ نگاهی تطبیقی به آزادی در شعر احمد شاملو و احمد مطر، مطالعات تطبیقی سال چهاردهم، شماره ۵۶، ۱۳۹۸، صص ۱۴۵-۱۶۵.
- نظری منظم، هادی، ادبیات تطبیقی: تعریف و نظریه های پژوهش، نشریه ادبیات تطبیقی، دوره جدید، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۹، صص ۲۲۱-۲۳۷.